

خلافت را نداشت و در این مدت علاوه بر رد فدک با اولاد حضرت صدیقه طاهره زنان علویه را که در اثر فشار حاکم عباسی از ملاقات با مردم ممنوع شده بودند و بنوبت چند نفر آنان بایک پیراهن نمازمیخواندند و در حال چرخ‌ریسی برهنه بودند مورد مهربانی قرار داده و تمام آنان را مستغنی نمود .

مخفی نماند که بزرگترین شخص محترم در نزد افراد مردم اعم از بت پرست و یا بودائی و یا آفتاب پرستان و یا ادیان حقه گذشته و یادین مقدس اسلام پدراست و هیچ يك از فرق متمدنه و متدینه دنیا در این اصل اصیل و قاعده محکم و متین تردید نکرده اند - رابطه بین پدر و فرزند طوری است که اگر یکی از این دو نفر از جهت قوانین عمومی و انتظامی جامعه قابل مجازات باشد و دیگری او را از نظر اولیاء امور جامعه فرار دهد مقصر نیست و با او معامله معذور مینمایند و حال آنکه دیگران نمی‌توانند باین عمل دست بزنند و مجرم شناخته میشوند - با در نظر گرفتن این مقدمه باید دید که تاثیر معلم در افراد بچه پایه است که حرمت پدر را بجزئی نشمرده و دست بچنین عملی میزند .

پنجمین معلم تاریخی

علی بن ابراهیم بن هاشم مکنی بابوالحسن قمی است که ثقه در حدیث و محل اعتماد عموم و صحیح المذهب است علی صاحب تألیفات زیاد و من جمله تفسیر معروفی است که تمام مطالب آن تفسیر را از اهل بیت طهارت نقل نموده است و کتاب ناسخ و منسوخ و قرب الاسناد او نیز اشتهار کامل دارد و از اجله روای و مبلغین اصحاب امامیه است و عده زیادی از مشایخ شیعه از علی حدیث آموخته و نقل کرده اند و اصلاً خاندان او یک خانواده کوفی است و او اول کسی است که احادیث و وقایع کوفیین را در قم نشر و ترویج نمود و خودش هم بآن احادیث عمل مینمود و بهمین جهت بیشتر از سایر مهاجرین کوفه بقم مورد توجه قرار گرفت و دائماً در مقام افاده و افاضه بود بقاعده الفضل للمتقدم میتوان نامبرده را اولین معلم و مبلغ شیعه امامیه در قم دانست و تشیع خاص خالص قمیین از آثار خجسته و خدمات برجسته اوست .

علماء امامیه مقارن سقوط سلطه شوم اموی و ظهور سلطه اولیه معتدل عباسی یعنی بعد از دوره بیست ساله زرین اهل بیت طهارت که ده سال از آخرین حکومت اموی و ده سال اول حکومت عباسی است .

در تمام اطراف و اکناف عالم زیاد شدند - زیرا در این مدت مجالس درس حضرت امام محمد باقر و امام جعفر الصادق علیهما السلام که از موقوع استفاده کرده و به شرح حقایق اسلام همت گماردند از چهارصد تا چهار هزار نفر مستمع داشته و با تبدیل آنان در ظرف ۲۰ سال عده نامحدودی را در طبقه اول تشکیل میدادند و شاگردان این طبقه لا تعد و لا تحصی است اما اشخاصی که تعلیمات و تبلیغات آنان زیاد مؤثر واقع شده باشد و جامعه‌ای مانند جامعه قم که در چهارده قرن اسلامی يك نفر از پیروان عامه را پرورش نداده باشد بوجود آورده باشند منحصر بقم است و بس و قم هم ضرب شصت چند نفر از آل بابویه و نظائر آنان منجمله همین علی بن ابراهیم صاحب ترجمه است - و باز از خصایص آثار این شخص شخیص روایت ادعیه و اعمال شایعه مسجد سهله و مسجد زید است که در مزار کبیر و مزار شهید نقل شده بدون اختلاف از طرف جامعه علماء بقبول تلقی شده است و اسناد احادیث این ادعیه منحصرأً بعلی بن ابراهیم قمی منتهی میشود و جمع کثیری از علماء بالخصوص مراجع مانند علامه طباطبائی ملقب به بحر العلوم که عموی پدر حضرت آیه الله بروجردی است از او مدح و احادیث منقوله او را صحیح دانسته و فرموده است که جامعه قمین احادیث او را بسمع قبول گرفته‌اند و اگر ملاحظه تزییق آنان در جرج و تعدیل در امر عدالت و سرعت تصمیم آنان بخروج رواة از جهت مختصر قدح در نظر گرفته شود و ملاحظه شود که چگونه قمین یونس بن عبدالرحمن جلیل القدر و عظیم المنزله را مورد طعن قرار دادند و احمد بن محمد بن خالد برقی را از قم بجرم اینکه نقل مرسل و روایت از مجاهیل را روامیداشت تبعید نمودند برای جلالت شان و عظمت قدر علی بن ابراهیم کافی است که محل قبول عامه را داشته و احدی در بیانات او تردید روا نداشته است بالجمله علی در شهر قم که شهری جدید و از بناهای اسلامی است زیرا ایرانیان قدیم که در تمام نقاط مختلفه کشور خود یکنوع آثار باستانی و تاریخی دارند در این شهر

هیچ چیز ندارند و تمام ابنیه و آثار عتیقه تاریخی قم از اسلام ریشه گرفته و متنفذین و پیروان اهل بیت طهارت به بناء و تعمیر آن کوشیده اند .

ما شرح بنای شهر قم را در قیام سادات علوی و قهرمانان اسلام متذکر شده ایم و در اصول مطالب تفاوتی نیست .

محدث شهیر قمی در کتاب الکنی واللقاب شرح بنای قم را با مختصر تفاوتی نقل نموده که ما عین منقول معزی الیه را ترجمه مینمائیم - وقتی که عبدالرحمن بن محمد اشعث بر حجاج بن یوسف والی اموی کوفه خروج کرد هفده نفر از علماء تابعین عراقین در لشکر او بودند و بعد از شکست ابن اشعث و فرار به کابل پنج نفر پسران سعد بنام عبدالله واحوص و عبدالرحمان واسحق و نعیم بمحل فعلی قم رسیدند و در آنجا هفت قریه بود که معروفترین آنها کمندان نامیده میشد - بنو سعد در آنجا فرود آمده و رؤساء اهالی بومی را که پارسی بودند بقتل رسانیده و آن محوطه را وطن خود قرار دادند و قبلاً بکمدان معروف شد و تدریجاً با تعریب ك به ق و اسقاط (ندان) به قم نامیده شد و بزرگ برادران بنو سعد عبدالله پسری داشت (نامش معلوم نیست) شاید اسحق باشد که در کوفه تربیت شده و شیعی بود از کوفه به قم آمده و مردم آن شهر که تماماً بنی اعمام بنو سعد و اقارب یکدیگر بودند بمساعی تربیت تشیع او مذهب شیعه را اختیار نمودند و بحدی در این امر تبلیغ نمودند که هیچ يك از افراد فرق عامه نتوانست در این محل سکونت اختیار کند و یا قوت حموی هم در معجم البلدان تفصیل بنای شهر قم و تشیع آنان را بهمین ترتیب می نویسد و محدث قمی خودش علاوه نموده که روایات بسیاری از ائمه طاهرین در فضیلت شهر قم و اهل قم رسیده است و در قبول ولایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیشقدم بودند و خداوند آن بلد را بعرب زینت داده است و بایی از بهشت در قم مفتوح میشود و باز فرموده که قم قطعه از بیت المقدس و حرم ال محمد و حرم شیعه است و وقتی که تمام بلاد را فتنه گرفت بقم و نواحی قم بروید که آن قطعه از بلا محفوظ است و فرشتگان بالارا از قم دفع میکنند و هیچ جباری قصد سوء در باره این شهر ننموده مگر آنکه قاسم الجبارین او را منع کرده و مشغول کرده است او را بیک گرفتاری ناگهانی یا مصیبت یادشمن قوی

که نتوانسته قصد سوء خود را مجری دارد. در شهر قم موضعی است که قدمگاه جبرئیل نامیده میشود و اهل قم در قبر مورد حساب الهی قرار گرفته و از قبر یکسره به بهشت میروند. بحار از مناقب نقل کرده که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای با اهل قم نوشتند که مفاد آن چنین است .

(خداوند بر بندگان خود بواسطه بعث پیغمبر منت گذارده که هم بانان بشارت داده و هم انداز کرده و بشما توفیق داده که دین را قبول کنید و اکرام کرده شمارا به هدایت در اسلاف گذشته و در نسل‌های آینده که عمر آنان طویل بوده و خواهد بود تا اطاعت عتره طاهره را بنمائید و گذشتگان بر طریقه صواب و راه راست و مسلک رشد بوده و در موارد رستکاران وارد شده‌اند تا از میوه‌های تقدیمی خود بهره‌برداری کنند و یافند آنچه را که پیش فرستاده بودند .

رسالة قمیة قم

در کتاب غیبت شیخ طوسی روایت شده که حسین بن روح کتاب تادیب تالیفی خود را در فقه برای جماعتی از فقهاء قم فرستاد و نوشت بدانها که در این کتاب نظر کنید و آنچه را مخالف عقیده خود یافتید بمن بنویسید و فقهاء بحسین بن روح جواب دادند که تمام ابواب کتاب موافق عقیده آنان است مگر مقدار فطره که در آن کتاب نصف صاع بوده و قمیین بیکصاع از طعام عقیده داشتند .

از این خبر جلالت فوق العاده شان قم و قمیین استفاده میشود زیرا حسین بن روح که خود از نواب خاصه امام عصر است و میتواند اشکالات متصوره خود را از پیشگاه حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه استفاده نماید کتاب خود را بقم میفرستد تا علماء قم تأیید نمایند .

و یا از اینکار قصدش این بوده که عظمت مقام قم و قمیین را بعالم اسلام بشناساند تا بعد از غیبت صغری که دیگر وسیله‌ای بامام عصر نیست مردم مرجع خود را بشناسند و وقایع اتفاقیه از منته بعدی در پیشگاه علماء این بلاد مقدس حل و فصل شود و همین رویه در قرون بعد از طرف علماء بزرگ معمول بوده که برای معرفی اشخاص نیز صلاحیت مراجع بزرگ احتیاطات خود را بنام علماء دیگر که در آن موضوع فتوی داشتند رجوع مینمودند

و همین امر موجب می‌شود که مردم بعد از فوت مرجع اولی؛ مرجع بعدی خود را می‌شناختند و متحیر در تشخیص اعلم نمی‌شدند.

بنده نگارنده چند مرتبه این مطلب را از اشخاص قابل قبول و محل اعتماد

شنیده‌ام. **۳-۱-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰**

دیگر از فضایل قمیین آن است که زکریا بن عبدالله بن سعد اشعری بحدی مورد توجه حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده که در یکی از سفرهای آنحضرت از مدینه بمکه زمیل (همپالکی) او گردید - و در بین راه دائماً از پیشگاه همیون امام هشتم مشغول استفاده و استفاضه بوده و بنده نگارنده در این امر عرض میکند که شاید این امر (همپالکی شدن) یک نوع تدبیری برای اغفال معاندین بوده زیرا زکریا برای اخذ مسائل و دستورات اداره جامعه شیعه قم شرفیاب میشده و همپالکی بودن بهترین وسیله بوده که وقت کافی برای عرض گزارش و استعلام انحاء و انواع مسائل مورد ابتلاء داشته باشد و کسی متوجه نشود که بین آنان چه میگذرد و الله اعلم - و همین زکریا است که بواسطه پیداشدن سفاه در بین اهالی قم میخواست سکونت در آن بلد را ترک کند و از امام همام کسب تکلیف کرده و حضرت رضا او را از این عمل منع کرد و فرمود بواسطه وجود تودر قم از مردم رفع بلامیشود همانطور که از بغداد بواسطه قبر مطهر حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام رفع بلیات میشود.

نگارنده عرض میکند همانطور که از طهران بواسطه قبر حضرت ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی سید جلیل و عالم نبیل دفع آفات و بلیات میشود - مادر پناه آل محمد غنوده ایم. عده بیشماری از دوستان و پیروان اهل بیت طهارت از طرف حضرت رضا علیه السلام برای تعیین تکالیف شرعی خودشان بهمین زکریا احاله شده اند و حضرت صادق علیه السلام بیونس بن یعقوب فرمود که زکریا از ما است و از قبیل زکریا در قم زیاد بوده اند مانند احمد بن محمد بن علی و احمد بن اسحاق بن عبدالله سعد اشعری که موافق روایات عدیده حضرت امام عصر را در حال حیات حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام زیارت کرده و کافور خادم امام به نفسیل و تکفین احمد پرداخته است و خاندان با بویه جمعا در این سلك

منسلک بوده‌اند (نگارنده عرض میکند که امروز هم گلستان قم بگل‌های خوش‌رنگ و بو مانند ایام قدیم آراسته است) و در تمام عالم جز نجف اشرف رقیبی ندارد - بالجمله علی بن ابراهیم از رجال اولیه تعلیم مقررات دین اسلام در مورد خصوصیات مذهب شیعه امامیه در اواخر قرن سوم بود و صدوق مکرر از او نقل حدیث کرده و در سال ۳۰۷ به بهشت جاودانی خرامیده است و طبق يك خبر که صدوق از حمزة بن محمد بن احمد علوی در رجب سال ۳۳۹ نقل کرده استدلال کرده‌اند که علی بن ابراهیم تا آن تاریخ حیات داشته ولی ممکن است صدوق قبل از سال ۳۰۷ آن‌خبر را از علی بن ابراهیم استماع کرده و ضبط نموده باشد و در سال ۳۳۹ برای اشخاص دیگری نقل کرده باشد و لازم نیست که در مویع نقل‌خبر ناقل سابق حیات داشته باشد.

و احمد بن علی پسرش هم درری بشیخ‌الشیعة الامامیه معروف بوده است و محمد بن علی بن بابویه از او نیز نقل حدیث کرده و مطابق قرائن دیگر میتوان علی و پسرش احمد را از مبلغین اولیه ایجاد جامعه شیعه در قم دانست زیرا بنقل مرحوم محدث شهر قمی وجیه‌ترین فقیه و محدث عصر خود بودند و آثار گرانبهایی بنام تفسیر و کتب دیگر در عالم اسلام بیادگار جاودانی باقی‌گذارده‌اند رحمة الله علیه و علی والدی .

توضیح لازم

بطوریکه خاطر شریف قارئین مستحضر است مقدمه تذکر داده شد که مقصود ما فقط نوشتن تاریخ رجال و علماء بزرگ نیست بلکه مقصود معرفی کسانی که بعنوان تعلیم و تدریس و یا اقدام خود در جامعه تاثیر داشته‌اند میباشد و بهمین جهت معلمین شهر بانو دختر یزدجرد و معویة بن یزید و عمر بن عبدالعزیز و منتصر عباسی که طرز تعلیم آنان شهرت ابد و دنیائی داشت نوشته‌شد و اینک نسبت بسایر رجالیکه در این فن یدو بیضائی داشته‌اند مطالبی را درج مینماید .

ابو طالب زراری

با زندگانی زرارة بن اعین را جزو جلد دوم قهرمانان اسلام نوشته و منتشر کرده‌ایم و این شخص نیز یکی از افراد همان

خاندان و معاصر با امام یازدهم و محیبت صغری است نامش احمد بن محمد بن محمد بن

سلیمان بن حسن بن الجهم بن بکیر بن اعین الشیبانی و از فضلاء ثقه و محدثین است که
اورا شیخ العلماء عصر خویش مینامیدند اساساً آل اعین یکی از بزرگترین خانواده‌های
شیعی در کوفه است و از جهت عظمت شأن و کثرت رجال و اعیان و طول مدت شهرت خانوادگی
نظیر نداشتند .

ابتدای شهرت آنان از زمان حضرت سید سجاد شروع و تا اوایل غیبت کبری
علماء و فقهاء و قراء و ادباء و رواة حدیث خانواده اعین معروفیت بسزا دارند و مشهور-
ترین رجال علمی آنان حمران و زراره و عبدالملک و بکیر بسران اعین و حمزه بن عمران
و عبید بن زراره و ضریس بن عبدالملک و عبدالله بن بکیر و محمد بن عبدالله بن زراره و حسن
بن جهم بن بکیر و سلیمان بن حسن و ابوطاهر محمد بن سلیمان و ابوغالب احمد میباشند که
عبدالله رساله‌ای در معرفی خاندان برای حنفی خود محمد بن عبدالله بن احمد نوشته و این شخص
آخرین کسی است که در این خاندان کوس علم و عمل زده است .

ابوغالب در این رساله پرچم اقتضار برافراشته و به ترکیه خاندان پرداخته و
میگوید الحمدلله ما عشیره‌ای هستیم که خداوند تبارک و تعالی به دین خود بر ما منت
گذارده و بصحبت اولیاء و حجج خود بر عالمیان اختصاص داده است و در دوره‌های امتحانی
شیعه که در نهایت درجه تقیه میگذرانیدند ما مانند طلای پاک از بوته امتحان خوب
درآمده‌ایم .

عموی ما حمران بخدمت و اجرای او امر حضرت امام زین العابدین علیه السلام
اختصاص داشت - باز همین حمران با جدما زراره و بکیر با حضرت امام محمد باقر و
حضرت امام جعفر الصادق معاصرو بهر چه مامور میشدند بدون کم و کاست مجری میداشتند
و برادران دیگر و جماعتی از اولاد آنان مثل حمزه و عبید و محمد و دیگران اختصاص
بحضرت صادق آل محمد علیهم الصلوة والسلام داشتند و روایات و فرمایشات آنجناب را
بمردم میرساندند .

بعلاوه عبید بن زراره و کسان دیگر از بنی اعین پیرو و سفراء حضرت امام موسی
کاظم علیه السلام در بین شیعیان بودند و جد آخر ما حسن بن جهم افضل خواص حضرت علی

بن موسی الرضا (ع) بوده و پسران او سلیمان و محمد و حسین نیز یک‌تاز این میدان خطر ناک بودند و ما با اینکه از اولاد بکیر هستیم چون مادر حسن بن جهم دختر عبید بن زراره است به زراری که از سلسله اجداد مادری ماست معروف شدیم و بدو این نسبت را حضرت امام علی النقی علیه السلام در توقیعات خود با فراد خانواده ماداد و بحدی از جهة افتخار باین خطاب این نسبت توسعه یافت که اینک تمام شقوق خانواده عین بنام زراره که یکی از پسرانش بوده نامیده میشود - و تا زمان غیبت کبری توقیعات حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه با فراد آن طائفه میرسید و اشکالات و حوائج آنها را مرتفع میکرد و استاده روات این قبیله را شصت نفر نوشته اند و گفته اند که تا چهل سال هیچ مردی از این عشیره فوت نشد مگر آنکه يك یا چند نفر بسر از اوابقی ماند و در کوفه مسجد خاصی داشتند که حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام مواقعی که در کوفه تشریف داشتند در آن مسجد نماز میخواندند - عین غلامی رومی بود که یکی از افراد شیبان او را در حلب خریداری کرد و در تربیت او کوشید تا عالم بعلم ادب و حافظ قرآن گردید - خواستند او را برسم جاهلیت بقبیله شیبان ملحق سازند ولی تن در نداد و هنگام رشد و کبارت او پدرش از روم برای ملاقات فرزندش بکوفه آمد و از رهبانان آن بلاد بود بنام سنن و خود را از عرب غسانی که در بدو طلوع اسلام بروم مهاجرت کرده بودند معرفی کرد و گفت فرزند او را برده فروشان ر بوده اند و حال با مان مرزداران اسلامی وارد این بلاد شده تا فرزند خود را ملاقات کند - و عین از موافقت پدرش در مراجعت بروم خودداری کرد و در کوفه سکونت گرفت و خداوند در نسل او برکت داد و عبدالملک و حمران و زراره و بکیر و عبدالرحمن و قعنب و ملیک و مالک با یک دختر از او بوجود آمدند و حقیقت امر ولایت خاصه بوسیله ابو خالد کابلی و یا صالح بن میثم تمار یکی از آنان تفهیم و تبلیغ شد که برادران یکدیگر را هدایت نمودند ولی ملیک و قعنب پیرو مذهب عامه شده و از برادران خود جدائی گرفتند و علاوه بر هشت نفر پسران فوق دو نفر دیگر از اولاد عین بنام موسی و ضریس در تاریخ ثبت شده که حال آنان معلوم نیست - شرح تبلیغ و کوشش این خانواده را در ترویج مذهب تشیع علماء رجال و اخبار از سال ۶۰ هجری تا سال

۲۶۸ بتواند نقل نموده اند که آنچه در حدود امکان و درخور سواد و فهم نویسنده است درج خواهد شد .

بالجمله ابو غالب و خانواده اش که کلا از اولاد اعیان شیانی الحاقی هستند (گرچه اعیان الحاق را قبول نکرده و صرفاً شهرت است و بتصریح پدرش عرب غسانی است) یکصد و شصت نفری در ظرف ۲۰۰ سال معلم جامعه بوده اند که از هر يك از آنان آثار خجسته و اعمال برجسته ای در صفحات تاریخ اسلامی باقی مانده و مورد استفاد مسلمان مخصوصاً شیعه امامیه اثنی عشریه است

تالیفات ابو غالب به نقل الکنی و الالقاب تالیف مرحوم محدث شهیر قمی بشرح زیر است کتاب تاریخ ناتمام - آداب السفر - کتاب الافضال - مناسک الحج الکبیر - مناسک الحج الصغیر شاید مقصود عمره است - الرساله ابن ابی طاهر فی ذکر آل اعیان - در این کتاب اجداد و اعمام و بنی اعمام خود را بفرزندش معرفی کرده که نام آنان محفوظ بماند تولد ابو غالب در سال ۲۸۵ هجری قمری و وفاتش در سال ۳۶۸ است که قبلاً جنازه او بمقابر قریش بغداد (کاظمیه) فعلی تشییع شده و سپس بکوفه نقل و در قریه غری که حال بنجف اشرف مشهور است مدفون گردید - ابو غالب در عصر خودش به شیخ العصابه نامیده میشد و مرجع حل اشکالات و مسائل اتفاقیه فرقه ناجیه بود چنانکه جدش محمد بن سلیمان همین سمت را در بین مردم داشت نهایت چون معاصر با دوره حیات حضرت امام حسن عسگری علیه السلام بود مسائل مشکله را از پیشگاه آن امام همام استفاده میکرد ولی ابو غالب خود اجتهاد میکرد - ابو طاهر فرزند ابو غالب معروف است که با حضرت حجة عصر طرف ارتباط بوده و بعضی از مردم بامر امام که بطرق مختلفه ملهم میشدند و جوهری با بو طاهر می پرداختند و بعضی دیگر با اشاره غیبی مختلفه ملهم میشدند و جوهری از او مطالبه میکردند و با اعلام علامات و نشانی از طرف ابو طاهر پرداخته میشد و قضیه ابوسوره که یکی از مشایخ زیدیه و یا بشیخ زیدیه ظاهراً معروف و در مر واقع اثنی عشری بوده شهرت کامل دارد - محدث شهیر قمی از ارشاد مفید علیه الرحمه نقل کرده که شیخ مزبور در غروب روز عرفه در حائر (معلوم نکرده که حائر علوی یا حسینی

است و بقرینه شاید نجف باشد) مشغول زیارت بود و از حائز خارج و بطرف کوفه میرفت در بین راه مردی با او همراه شد و از حال شیخ جو یا شد عرض کرد که در مضیقه مالی هستم و برای اعاشه هیچ چیز ندارم رفیق ناشناس باو گفت وقتی که وارد کوفه شدی بمنزل ابوطاهر زراری برو و در بزن شخصی در را باز میکند که دستهای او خونین است زیرا بذبح قربانی مشغول بوده بگو که رفیق راه من گفته است که همیانی که مملو از دینار و در نزد پایه تخت است بمن اعطاء کن

ابوسوره میگوید بعد از این کلام آن شخص از من جدا شد و دیگر او را ندیدم و با تردید فرموده او را اجرا نمودم و بمجرد دق الباب همان شخصی که دستش خونین بود خارج شد و ادای رسالت کردم : جواب داد سمعاً و طاعتاً و فوراً همیان را آورده و بمن تسلیم کرد .

تردید نیست که این شخص زیدی یا زیدی نما به پیشگاه حضرت مولی المتقین امیر المؤمنین و یا فرزندش حضرت مولی الکونین علیهما السلام (باختلاف حائر) متوسل شده و استدعای مساعدت داشته لذا اعلی حضرت همایون امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شیخ ملتجی را دریافته و مقضی المرام کرده است - تاریخ وفات ابوطاهر در سال ۳۰۰ و تولدش سال ۳۳۷ هجری قمری است و شصت و هفت سال رویه احداد گرامش را تعقیب و از قضیه منقوله ازار شادم معلوم میشود که اخیراً با مانت از طرف امام عصر هم مقتخرو سرافراز بوده است خداوند تمام خاندان اعین را جز چند نفر که گمراه شده و رویه مخالفین خانواده خود را اتخاذ نمودند در بین عموم مسلمانان محترم و شاخص قرار داده بود که حتی مخالفین مذهب هم از علوم سرشار آنان که از اهل بیت طهارت پدر بر پدر تعلیم گرفته بودند استفاده مینمودند .

هنا هم الله و رحمهم الله مع والدی و من تابعهم .

چون در ضمن مطالب فوق بصلح حدیبیه رسیدیم لازم شد شرح
معاهده حدیبیه
آن که مسلمانان را از زحمت دشمنان مهم و قوی آسوده نمود
متذکر شویم و خود مکه را نیز بقارئین جوان بشناسانیم چنانکه حضرت رسول اکرم (ص)